

درآمد

عرش خدا کرسی تعلیم است و وحی خدا، مهبط تحقیق و او است داندۀ و پاینده و جان دهنده و دانش افزاینده که رب العالمین است و به قلم و لوح و سخن و زمان و کلام قسم خورده است.

عین القضاة میگوید: «بودن را برگزیده ایم، اما چه گونه بودن را کم تر اندیشیده ایم و چه گونه بودن مستلزم شناخت است و دریچه شناخت، پژوهیدن».

زمانی ادعا می شد که برای هر مسئله پیچیده ای، همواره راه حل ساده ای وجود دارد که گذر زمان ثابت می کند، اما این ادعای درستی نیست. برای هر مسئله پیچیده ای، راه حل پیچیده ای هم وجود دارد که از عهده نخبگان بر می آید و در روزگار ما، یعنی پایان هزاره دوم (پایان عصر اضطراب) و آغاز هزاره سوم (آغاز عصر امواج) نخبگان همان پژوهشگران اند.

امروزه گفته می شود: باید از فضای علم برای علم بیرون رفت و به فضای علم برای کار (عمل) وارد شد. این قاعده را می توان حتی در علوم انسانی نیز صادق دانست؛ چرا که ابرام بر مبانی نظری، مقدمه کار است؛ ولی ابقا در این محدوده، نوعی در حصار شدن و درجا زدن را به دنبال می آورد. باید از قالب های نظری بیرون آمد و به سمت و سوی قواعد کاربردی گام برداشت. امروزه بحث زندگی مبتنی بر دانش و پژوهش، کاربردی است؛ پس حوزه و دانشگاه ما در معرض رسالت های جدید است و کسالت ها را برنمی تابد. شاید سخن حضرت امام خمینی (ره) کامل ترین و گویاترین دستور، در عین حال کوتاه در این زمینه باشد که گفتند: ما هیچ راهی نداریم جز خوداتکایی، خودباروی و خوداعتمادی.

هم اکنون در هزاره سوم پا گذاشته ایم. نیازها، نگاه ها، انتظارات، توقع ها و تحلیل ها کاملاً دگرگون شده است و هر تصمیمی امروزه در دنیا اتخاذ می شود، چه در حوزه صنعت یا خدمات یا روش های زندگی، بر پایه دانش و پژوهش صورت می گیرد. لازم است این دستاورد در حوزه علوم دینی به نحو شایسته مورد عنایت قرار گیرد.

امروزه در دنیای پر جنب و جوش، پژوهش را موتور محرک ملت ها (1) به سمت و سوی آرمان ها و اهداف نام می برند. بر سر در یکی از دانشگاه های آمریکا نوشته اند:

توقف در آموزش توقف در زندگی است و توقف در پژوهش توقف در آموزش و زندگی است. (2)

طی سه دهه اخیر، دگرگونی های فراوانی در دنیا روی داده است تا جایی که در یک مقاله عنوان می نمایند که 30<1970 است؛ یعنی تحولاتی که در طول 1970 سال روی داده بسیار کم تر از تحولاتی است که طی این 30 ساله اخیر رخ نمایانده است. دنیای 33 ساله اخیر یعنی از 1970 تا 2004 که در آن قرار داریم عصر روشن گری، عصر دانایی، عصر مجاز، عصر خرد، عصر پژوهش، عصر امواج و در نهایت عصر و دنیای هفت مولفه قدرت،

سرعت، فرصت، ثروت، اطلاعات، ارتباطات و تغییرات سریع نامیده می شود (3) گر چه در تاریخ های قبل از هزاره سوم به تک تک مولفه ها نیز اشاراتی شده است؛ از جمله «آدام اسمیت» که تجارت را وافی به قدرت نمی داند و از عدم کفایت اقتصاد داد سخن می دهد و صراحتاً فن آوری و تولید دانش را از دریچه پژوهش مورد تاکید قرار می دهد. (4)

اخیراً نیز در دنیای متلاطم علمی اعلام شده که سال (2010) (5) سال تراز تعیین تکلیف سپاری از ملل در مقوله دانش و تولیدات علمی و تحقیق است و کشورها به دو دسته تقسیم خواهند شد: کشورهای تند یا کشورهای کند و حد میانه ای در این بین نخواهد بود؛ یعنی یا کشوری پویایی و پژوهش خواهد داشت یا به دور از جنب و جوشی خواهد بود و در عرصه پر رقابت دانش و تحقیق تماشاگر و با نقش سایه ای در حاشیه (6) باقی خواهد ماند. (7)

واقعیت این است که حرکت دانش مداری و پژوهش گرایی در جهان اسلام از آغاز پیدایش آن وجود داشته و در ایران نیز حتی قبل از اسلام دانش مندان و محققان و پژوهندگان مقبول و مورد احترام بوده اند. به هر حال در طول تاریخ عوامل اجتماعی، محیطی و فرهنگی پیچیده ای پدیده پژوهش و دانش طلبی را تحت الشعاع قرار داده است و این امر از قرن 16 میلادی تا قرن نوزدهم، دوره ارتقا و بالندگی خود را طی نموده است و در این میان علاوه بر فلاسفه و اندیش مندان در دنیای اسلام، سه شخصیت، نماینده و تأثیرگذار در سه بینش مختلف در پیدایش نظریه ها و پژوهش پروری و دانش مداری به معنای نوین آن در قرن نوزدهم و بیستم نقش برجسته ای دارند؛ دنیا پس از فرانسیس بیکن، ایساک نیوتون، و آدام اسمیت (8) بود که حرکت سریع تر و شتابنده تری گرفت و اگر مک لوهان در دهه 70 و 80 روزی دنیا را دهکده جهانی نامید و کم تر از 8 سال تافلر آن را خانه جهانی خواند، کم تر از آن زمان، نیل پستمن آن را دنیای همراهه (9) و همراه نامید.

در این دنیای جدید در مدارس و دانشگاه ها و حتی در حوزه های درس دینی، آموزش و پژوهش دوش به دوش هم حرکت می کنند. و علوم پایه و اصیل با پژوهش و نوگرایی و نوآفرینی با نیازهای روز هماهنگ می شوند.

در دنیای جدید ادعا می شود، هر چیز که بوی کهنگی بدهد محکوم به فناست لذا؛

کلاس درس، پایتخت دانش است؛

مدرسه، سلف سرویس علم است؛

دانشگاه و حوزه، جمهوری علم است؛

پژوهش، میوه آموزش است؛

منابع انسانی، موتورهای فکر اند.

در دنیای جدید دانش مندی منسوخ شده است و دنیا، دنیای روش مندی و کاوش گری (10) است. پژوهش در این دنیا باید به صورت یک فرهنگ درآید و این فرهنگ از بُعد فردی به ملی و سپس فراملی و بین المللی درآید.

مسئله یابی

در تحقیق، مسئله یابی بسیار مهم است و برای این مهم (تفکر سیستمی) (11) لازم است در تفکر و اندیشه

سیستمی محقق مسئله یاب هفت ویژگی دارد:

1. تفکر خلاق، نقاد، جامع و ناب و گرایش به سمت (تفکر منطقی) (12)؛
2. آمیزش عقل و شهود؛
3. دیدن در جزء (اصطلاحاً مشاهده جنگل در بین درختان)؛
4. پرداختن به چراها و چه گونه ها؛
5. طرح سؤال و برخورد پرسشی؛
6. ژرف کاوی به جای فرانگری کم عمق؛
7. کلان نگری و جزء کاوی.

در یک دیدگاه دیگر و در فرایند یک تحقیق ساختارمند کلاً پنج مولفه، حیاتی و مهم به شمار می روند که عبارت اند از:

1. موضوع مسئله شناسی؛
2. صلاحیت های علمی محقق؛
3. نظارت بر کار تحقیق؛
4. ارزش یابی کیفی؛
5. کار بست تحقیق.

در موضوع مسئله یابی تحقیق، یکی از مهم ترین مشکلات و معضلات ما آشنایی با روش های مسئله شناسی و مسئله یابی است که مستلزم کارکارگاهی است؛ ریچارد پرینگ (13) در گزارش سال 2000 خود آورده که در آمریکا: برای این مقوله و آموزش، پژوهش و مسئله یابی، سالانه بیش از یک میلیارد دلار از وجوه فدرال هزینه می شود. و در انگلستان نیز طبق این گزارش نامه 2801 مؤسسه علمی پژوهشی فعال ثبت شده که سالانه حدود 60 تا 70 میلیون پوند فقط برای پژوهش و مسئله یابی استفاده می گردد.

جواز ورود به عصر جدید

اساساً ورود به دنیای جدید جواز می خواهد و جواز آن تحقیق در کنار آموزش و داشتن کارنامه و برنامه پژوهشی و تولید علم است؛ چرا که امروزه ادعا می شود دنیا مانند زمان و مد، منتظر کسی نمی ماند و این اتوبوس، اتوبوس رقابت دانش، پژوهش و مهارت هاست و در این عرصه، ملّتی که نمی داند به کجا می رود 2 خطر در پیش رو دارد:

نخست این که امکان دارد هر اتوبوسی او را با خود می برد (14)؛

دوم: خطر رسیدن به جاهای دیگر است (بیراهه روی ها) (15).

به همین خاطر پژوهش، مقارن توسعه یافتگی شده است و این دو، الفبای حرکت اند. امروزه حتی اگر در مبانی دینی و اسلامی نیز بخواهیم حرکتی نهادینه و فرازین داشته باشیم، ناگزیر به تقویت امر پژوهش و فاصله گرفتن از نگارش و کنار زدن هدف هستیم؛ چرا که دنیای امروز دنیای (کشف و تطبیق) (16) است. و در تمدن اسلامی

نیز، توقف های طولانی در جاهایی که به صلاح نیست ناشی از عادت به وضع موجود و رقم زدن وضع مطلوب است.

نگاهی به سیمای گذشته

یکی از دلایل درجا زدن و رونق نداشتن تمدن اسلامی که هشت قرن از تاریخ را پوشش داد، گرایش به سمت شاخه هایی از دانش و یا قطع و لاغر کردن و حذف برخی از شاخه های (ظواهر نقل) به جای لذت (کشف) است. آن گاه که حاکمیت ظاهر گرایان که خودنمایی و خودستایی را در جامعه جای گزین فضل و اندیشه و علم کردند، مدنیت اسلامی به باد فراموشی سپرده شد و سپس تیمور و حکومت های پیرو سلجوقی مغول که قطعاً سبب درجا زدن و رکود پژوهش و روش مندی و لذت کشف گردید، رونق علمی جامعه دیرپای اسلامی را به خواری کشید؛ اما چه چیزی باعث چیرگی سلجوقیان گردید، که زمینه را برای حمله مغولان آماده کردند؟ چه گونه حکومت آل بویه که دوره احیای فرهنگی و انسان گرایی و (رנסانس اسلامی) (17) را ایجاد کرد (18) نتوانست پایه های قدرت خود را در برابر سلجوقیان استوار بدارد؟

در این بررسی ها نمی توان بُعد تاریخی و جغرافیایی را از نظر دور داشت. دشت های وسیع آسیا و اقوام بدون مدنیت اما پرتحرک آن، نشناختن ابزار نوین قدرت و ساختار جوامع بزرگ در آن دوره، راه را برای به قدرت رسیدن اقوام سلجوقی و نابودی مدنیت علمی و پژوهشی اسلامی و حتی توقف تولید علم و ظهور نماد گرایی و ظاهر گرایی اسلامی هموار می کرد.

اگر به تاریخ بیهقی مراجعه شود، اشارات فراوانی حاکی از اقتدار نمادگرایی و ظاهر گرایی در آن دوران به چشم می خورد. حاکمان ظاهر گرا راه را برای به قدرت رسیدن متکلمان نمادگرا باز می کنند. تدریس علوم و فلسفه از مدارس حذف می شود. نظامیه ها، که بزرگ ترین مدارس اسلامی هستند، راه به علوم و فلسفه نمی دهند، حتی راه به تبلیغ همه مذاهب اسلامی نمی دهند. (19) «امام محمد غزالی»، دانش مند بزرگ قرن پنجم یکی از سرسخت ترین مخالفان آزاد اندیشی بود. وی تا جایی پیش رفت که «فارابی» و «ابن سینا» را فیلسوف نمایان اسلامی نامید و بخشی از سخنان آنان را که مبتنی بر پژوهش های بنیادی (20) بود، تحت عنوان و واژه های الکفر الصریح نام برد؛ حال آن که نبوغ ذاتی و علمی «ابن سینا» در بسیاری از علوم از جمله طب و فلسفه بلامنازع بود و هم چنین نظم منطقی که «فارابی» به فلسفه التقاطی یونان داد، بعدها نیز با حکومت سلجوقیان و مغولان در اوج مدنیت اسلامی، ریشه های خردستیزی کاشته و قدرت حاکمان ظاهرگرا و کلام متکلمان نمادگرا آبیاری شد، که این به دنبال خود رکود و خواری در دنیای اسلام را به دنبال آورد، اوج این خط فکری را در دوران صفویه می بینیم.

در همان سال ها که خرد ستیزی و پژوهش محوری در جامعه اسلامی پرورش می یافت و امام محمد غزالی یکه تاز علم کلام در جامعه اسلامی شد، فارابی و ابن سینا را به کفر متهم می کردند، تقریباً هم زمان با غزالی در فرانسه پی یرآبلار (1142م) نخستین روشن فکر بزرگ مدرن، برای خردگرایی ستیز می کرد و در این میان حریفی در سطح خود نداشت. (21) و جالب این که خردگرایان و پژوهش مسلکان قرن دوازدهم میلادی، هم زمان با اوج

گیری خرد ستیزی در دنیای اسلام، خرد گرایی را از مسلمانان آموختند. آدلار دبائی می نویسد: «من از استادان عربم آموختم که عقل را راهنمای خود قرار دهم، حال آن که شما به این خرسند هستید که مثل یک اسیر، فقط زنجیر شماری از دستورهای اخلاقی ناقص را به گردن داشته باشید.» (22)

تاریخ نشان داده است، نه فعالیت برنار بلکه جنبش خود گرایی آبلار موتور پیش رفت اروپا و ظهور برنامه نیوتونی و بیکنی شد. (23) اما در جهان اسلام اتفاق دیگری افتاد؛ چرا که جهان اسلام دچار توقف های طولانی گردید و این ناشی گری ناشی از نوع نگاه بعضی از اندیش مندان یک سویه نگر بوده است. چرا که تاریخ به ما نشان می دهد، مذهب اسلام مانعی برای بالندگی دانش با خود نیاورده؛ بلکه به عکس در دوران شکوفایی اش در قرن های سوم تا پنجم انسان گرایی و خودگرایی را در جامعه پشتیبانی و پرورش داده است؛ اما در نهایت نمادگرایان مورد حمایت حاکمان ضد فلسفه و تفکر، به تاریخ جهت داده اند. پس نباید انتظار داشت که عصیانی، از نوع غرب روی می داد. هم چنین پشتوانه فرهنگی ایران اسلامی نیز چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت و به عنوان یک تجربه بشری از آن درگذشت. بارور کردن این فرهنگ خصوصاً در بعد اسلامی آن با ذخیره هایی، همچون: فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ، فارابی، ابن سینا، بیرونی، شیخ انصاری، علامه جعفری، علامه طباطبائی، امام خمینی و... به معنی بزرگ داشت بشریت و شکرگزاری خداوند، و ایجاد چشمه جوشان دیگری برای تغذیه جسم و روان جوامع بشری، در کنار دیگر تمدن های بزرگ دنیا است. و در حقیقت اینان پایه گذاران بینش و پویایی اند.

پژوهش و توسعه

همان طور که اشاره شد امروزه پژوهش، موتور توسعه است و این امر هم برای علوم تجربی و هم برای علوم انسانی و بالخصوص علوم دینی نیز وجود دارد. و این امر نه در دانشگاه و نه در پایه های فرازین تحصیلات حوزوی شروع می شود، بلکه از همان آغاز و از مقدمات و ابتدا شروع می گردد. از مولفه های عمده ترویج روحیه و فرهنگ پژوهش مواردی همچون: ایده سازی، خلاقیت، مسأله یابی، مسأله آفرینی، مسأله جوئی، تفکر، تأمل، تحمّل، تحلیل و سپس تحقیق و عدم توقف و اقناع است.

حوزه ها و مراکز دینی نیز در این باره باید به موارد ذیل عنایت خاص داشته باشند:

الف: بازنگری جدی به واحدهای درسی و تنوع آن ها؛

ب: بازنگری جدی به امر تحقیق و متون آموزشی آن؛

ج: بازنگری جدی به شیوة تدریس روش تحقیق؛

د: بازنگری جدی به ساعت های تدریس روش تحقیق؛

ه : عنایت خاص به امکانات و تمهیدات تدریس روش تحقیق؛

و: توجه ویژه به تهیه بانک اطلاعات پژوهشی در ابعاد انسانی و محتوایی.

جان مایه کلام این که: دنیای امروز دانش در هر حوزه و محوری، دنیای پیشتازی در یافته ها، شناخته ها و کشفیات است؛ چرا که گذشته ها، داشته ها و انباشته ها به تنهایی کافی نیست؛ گر چه ذخیره، الفبا و محور فعالیت و جویش و کوشش است. برای یافتن، جستن لازم است و جستن از راه پژوهیدن حاصل می گردد.

نیتزکی وجان برچ (24) می نویسند: «ملتی که به پژوهش و تحقیق و اطلاعات اهمیت ندهد، یعنی نمی خواهد حرکت کند و اصطلاحاً (ملت متوقف) (25) نامیده می شود».

پژوهش، ملت ها را به حرکت درمی آورد و مدارس را زنده و دانشگاه ها و حوزه ها را بالنده نگه می دارد. پژوهش، سرمایه همیشگی است؛ چون زاینده و پاینده است و اصطلاحاً خودبارور است و اگر در جایی آغاز شود و درست شروع و حمایت شود؛ محال است متوقف گردد. در حقیقت پژوهش قلب آموزش است.

پژوهش سرمایه یک تشکیلات است و گاهی ملتی را سالیان متمادی سرافراز می کند.

عصر ما را عصر پژوهش های علمی پیش رفته نام داده اند؛ چون گسترش دانش و فن آوری نوین و توانایی بالای بشر معاصر در حل معضلات و مسائل جامعه را حاصل «پژوهش» می دانند. هر اندازه مسایل جامعه پیچیده تر باشد، می طلبد که پرورش و جلب نیروهای محقق و ایجاد تشکیلات برای برنامه ریزی در اداره و جهت دادن به فعالیت های پژوهشی کشور نیز هوش مندانه تر باشد. در حوزه علوم اسلامی و به ویژه حوزه علوم دین با گذر زمان و رخ نمودن مسایل جدید و نیاز به پاسخ گویی به سؤال ها و شبهات و پیچیدگی ها اهمیت پژوهش نیز بیش تر خود را نشان می دهد. تحقیق همواره باید با جد و جهد، شکیبایی، مطالعه وسیع، تردید علمی، علاقه و کاوش پی گیر هم راه باشد؛ به ویژه در این عرصه.

برخی از پژوهش ها به کشف حل نشده یا رها شده یا از پیش مانده منجر می شود و بعضی پژوهش ها نیز نگرش ها و ساختارها را اصلاح می کند. و برخی نیز دانش و دانایی را گسترش می دهد.

موانع پژوهش

امروزه در هر منطقه و کشوری موانع متعددی برای تحقیق کردن وجود دارد که مهم ترین موانع را می توان در ایران در دانشگاه ها و حوزه ها به صورت زیر برشمرد:

1. موانع علمی

- آموزش های ضعیف روشی و کارگاهی در امر پژوهش؛
- آموزش های عمومی و غیر تخصصی و غیر رشته ای؛
- آموزش های نظری و غیر کاربردی؛
- عدم تربیت مدرسان فرهیخته؛
- نداشتن بانک اطلاعات مدرسان و استادان ذوفن یا ذوفنون پژوهشی؛
- جدا کردن روحیه پژوهش گری و بسنده کردن به دانش و دانش مندی؛
- غلتیدن در کارهای نظری و گمان این که پژوهش یعنی تالیف و تدوین صرف؛
- نداشتن متولیان علمی و کارآمد؛

- به روز نشدن مبانی و ساختارهای پژوهش علمی؛
- وجود نداشتن فضای مناسب تحقیق در بسیاری از زمینه ها (26).

2. اعتبارات

- سرمایه گذاری نکردن در زمینه پژوهش؛
- هزینه نکردن بودجه های پژوهشی مصوب در امر مربوط به پژوهش؛
- ناهم آهنگی موضوعات و طرح ها و بودجه های مصوب؛
- فرایند معیوب اداری تأمین و پرداخت اعتبارات پژوهشی.

3. منابع و ابزار تحقیق

- ضعف های بنیادین و بنیادهای علمی پژوهشی جوامع در حال توسعه؛
- کم بود کتاب ها و مجلات علمی؛
- ضعف کتاب خانه ها و مراکز اطلاع رسانی برای پژوهش گران؛
- کم بود وسایل و تجهیزات؛
- ناتوانی کشورهای جهان سوم در انتشار نتایج تحقیقات؛
- کم بود شدید تنوع پژوهش در این کشورها.

4. ساختارهای آموزشی

- موارد مهم و زیربنایی در ساختارهای حوزوی و دانشگاهی که به صورت چشم گیری بر انجام پژوهش علمی تأثیر می گذارند که شامل موارد زیر است:
- انطباق ناقص ساختار و فعالیت های عمل کردی مراکز آموزشی با فرآیند پژوهش؛
 - اولویت ندادن به پژوهش در دل آموزش؛
 - کم بود کادر علمی مجرب پژوهشی؛
 - بی توجهی به تربیت نیروی تحقیقاتی کارآمد؛
 - گرایش شدید به تحقیقات نظری و بنیادی؛
 - اولویت دادن به مقالات نظری بر تحقیقات کاربردی؛
 - نبودن برنامه های آموزش و پژوهش؛
 - تقلیده های کورکورانه و آگاهی ابتدایی از پژوهش؛
 - نداشتن وقت کافی هیئت علمی به علت اشتغال بیش از حد در امر تدریس؛

- سرگردانی، بی‌اعتنایی و سرخوردگی فراگیران؛

- فقدان مکانیزم‌های هم‌آهنگ‌کننده.

5. نظام آموزشی

- ناکارآمدی واحدهای درسی؛

- تکیه بر منابع پیشین و تدریس و عدم استفاده از منابع روز؛

- نبود واحد پژوهش در کنار واحدهای آموزشی؛

- پیروی نکردن نظام آموزشی از روش کارگاهی در پژوهش؛

- مشکل زبان انگلیسی در بهره‌برداری از پژوهش‌های وارداتی

6. ارتباط داخلی و بین‌المللی

یکی از معضلات مراکز دینی و دانشگاهی کشور ما در موضوع فوق موارد ذیل است:

- نداشتن روابط نزدیک با مراکز تولید علم در جهان؛

- نداشتن ارتباط مراکز علمی با مراکز تولیدی، خدماتی، فرهنگی داخلی؛

- پشتیبانی مالی نکردن از ارتباط هیئت علمی با مراکز خارج از کشور به صورت رو در رو؛

- بیگانگی مراکز دینی و دانشگاهی با مراکز مشابه و رقیب در خارج؛

- غفلت از دست‌آوردهای بین‌المللی موازی و رقیب یا مشابه؛

- عدم اطلاع‌رسانی درست بین‌المللی پژوهش.

7. سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاری و روش‌مند کردن تحقیقات در مراکز دانشگاهی و حوزوی رویه ثابت و معینی ندارند و متأسفانه بیش‌تر نگاه‌ها حالت رفع تکلیفی دارد تا ترغیبی. و حتی گاهی نگاه به پژوهش، نگرش غیرکارآمدی است تا نگاه اساسی؛ هم‌چون:

- نداشتن سیاست بلندمدت پژوهشی؛

- تصمیم‌گیری بر اساس پژوهش را در همه امور باور نکردن؛

- اقتباس درست نکردن از سیاست‌گذاری‌های موفق برخی کشورها در امر پژوهش؛

- نبود سیاست واحد در امر پژوهش با حفظ تنوع و حریم‌ها و تعدد رشته‌ها.

با عنایت به فضای مقاله و تحولاتی که در دنیای امروز رخ داده، پرداختن به پژوهش و احیای آن، بایسته است. دنیای پر تلاطم علم و دانش امروز در هر زمینه ای نیاز به دقت و موشکافی نیازهای هر عصر، نسل و حتی فصل دارد تا یک محقق حوزه را به سمت و سوی درست هدایت کنند. چرا که واقعیت های مکتوب و مستند نشان می دهد که حرکت پژوهش مداری در دنیای اسلام از آغاز طلیعة آن مورد احترام، و ترویج بوده و هست و هیچ گاه و در هیچ شرایطی از رونق نیافتاده است.

موضوع یابی در تحقیق خصوصاً در حوزه علوم اسلامی اهمیت دارد؛ زیرا محقق موضوع یاب، تفکر خلاق و ژرف کاو دارد. این است که شناسایی مسائل مورد نیاز، فراتر از نظریه پردازی است. از این ره گذر دو شعار مهم مطمع نظر دانش مندان قرار گرفته:

1. پژوهش قلب آموزش است؛

2. بدون پژوهش تصمیم گیری نکنیم.

و این نکته مهم است که بدانیم که تحقیق مخصوصاً در این عرصه ها، مستلزم جدّ و جهد، شکیبایی، مطالعه ژرف، تردید علمی، علاقه و کاوش مستمر است. گر چه موانع فراوانی نیز در راه پژوهش است که در این مقاله به هفت دسته و هر کدام در چند مولفه مورد اشاره قرار گرفت.

سخن آخر این که غفلت در ترویج فرهنگ پژوهش فاصله ها را در عصر حاضر دوچندان می کند و فرهیختگی ملل در هر زمینه ای با تولیدات علمی شان سنجیده می شود؛ پس بیاییم به این مقوله سنجیده تر بنگریم.

پی نوشت ها :

1. نادر قلی قورچیان، برنامه ریزی استراتژیک. تهران: واحد علوم و تحقیقات، مقطع دکتری 1379، ص. 25.
2. سید محمد مقیمی، جلسه اندیشگان پیرامون استاندارد سازی، تهران: معاونت برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، پاییز 1382.
3. نیل پستمن، زندگی در عیش، مردن در خوشی، ترجمه دکتر طباطبائی، انتشارات سروش. 1378.
4. Terence Kealey, The Economic Laws of scientific Research, Macmillan press, London, 1996.
5. محمد علی طوسی، سیاست گذاری در نظام های آموزشی، تهران: واحد علوم و تحقیقات، دوره دکتری 1378 ص. 18.
6. Shakow Role.
7. نادر قلی قورچیان، برنامه ریزی استراتژیک، ص. 38.

- Gerald Holton, Science and Anti – Science, Harvard University press, cambrige, .8
Massachusetts, 1993.
9. Global Mobile
10. Discovery world
11. Systematic thinking.
12. Logical thinking
13. Richard pring (2000) philosophy of Education Research
14. برگرفته از مقاله جعفر رحمانی، ماهنامه پرسمان، سال 82.
15. میگر، نظارت و راهنمایی تعلیماتی، ترجمه دکتر بهرنگی (بینا)، 1376.
16. Discovery and comprative
17. Islamic Renaissance
18. جوئل، ل، کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، تهران 1375) ر. ک: رضا منصوری، ایران 1427، ص 25، نشر طرح نو 1377 .
19. عبد الهادی حائری، نخستین رویارویی های اندیشه گرایان ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غربی (تهران: انتشارات امیرکبیر 1372) ر.ک. رضا منصوری، ایران 1427، ص 26.
20. Research
21. ژاک لو گوف ، روشن فکران در قرون وسطی ، نشر مرکز ، تهران 1376.
22. همان ، ص 71.
23. جوئل ، ل ، کرمر (منبع 11).
24. گری گراد نیتزکی جان برچ، مدیریت سیستم های اطلاعاتی، ترجمه: منوچهر غیبی تهران، انتشارات مدیریت دولتی. 1376.
25. Nation stop
26. سعید امینی نیک، مریم میر شمس، مظفری، پژوهش در ایران (تهران، مجله گلشن جامعه 1381) ص 4943.